

ابومخنف و مقتل الحسین (ع)

چکیده

ابومخنف یکی از نخستین کسانی است که به نگارش حوادث کربلا پرداخته و کتاب او به نام مقتل الحسین ابومخنف معروف است. او خود اهل کوفه بود و با کسانی که حوادث کربلا را دیده و یا از پدران و بزرگان خود شنیده بودند، در ارتباط بود، بدین جهت کتاب وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از کتاب مقتل الحسین ابومخنف هم اکنون نسخه‌های خطی و چاپی متعددی به جای مانده است که به دو دلیل نمی‌توان آنها را به وی نسبت داد، یکی به دلیل تناقضات موجود در این نسخه‌ها و دیگری به علت اختلافات میان این نسخه‌ها با آثار تاریخ‌نویسانی که از این کتاب استفاده کرده‌اند. تردید در صحت انتساب این اثر به ابومخنف باعث شد تا نویسندگان معاصر به جمع‌آوری این کتاب از میان کتاب‌های تاریخ‌نویسان پیشین پردازند و آن را به عنوان صحیح‌ترین مقتل در اختیار خوانندگان قرار دهند.

کلید واژه:

ابومخنف، مذهب، راویان، مقتل الحسین (ع)

نسب ابومخنف

ابومخنف از اعراب جنوبی است و نسب او به پادشاهان دولت سبائیان از دولت‌های اعراب جنوبی می‌رسد. تاریخ نویسان نسب او را چنین بیان کرده‌اند: لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم بن الحارث بن عوف بن ثعلبه بن عامر بن ذهل بن مازن بن ذبیان بن ثعلبه بن الدول بن سعد مناه بن غامد (و اسم غامد: عمر) بن عبدالله بن کعب بن الحارث بن کعب بن عبدالله بن مالک بن نصر بن الازد بن عمر مزیقیاء بن عامر ماء السماء بن حارثه الغطریف بن امری القیس بن مازن بن الازد بن الغوث بن نبت بن مالک بن زید بن کهلان بن سبا الازدی الغامدی. (ابن حزم، ص ۳۳۷)

مخنف بن سلیم جد ابومخنف زمانی که رسول خدا(ص) ابوظبیان ازدری را دعوت به اسلام کرد، مسلمان شد. او احادیثی از پیامبر(ص) روایت کرده و در شمار اصحاب آن حضرت می‌باشد. (بوسفی غروی، ص ۲) پس از رحلت پیامبر(ص) در فتوح عراق شرکت داشت (دینوری، ص ۱۱۴) در جنگ جمل همراه لشکریان امام علی(ع) بود و درفش ازد و برخی قبایل دیگر در دست او بود (همو، ۱۴۶) و دو برادرش عبدالله و صعقب در همین پیکار شهید شدند (طبری، ص ۵۲۱). پس از جنگ جمل امام علی(ع) او را امارت اصفهان و همدان داد (نصر بن مزاحم، ص ۱۱). در آستانه‌ی جنگ صفین، امام علی(ع) طی نامه‌ای که نصر بن مزاحم متن آن را آورده وی را دعوت به جنگ کرد، او نیز پذیرفت و در جنگ صفین به همراه علی(ع) شرکت کرد. مخنف اهل کوفه بود و سرانجام در سال ۶۴ هـ.ق، در قیام توابعین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی کشته شد. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی ابومخنف)

در باره‌ی سعید که پدر بزرگ ابومخنف بود، هیچ گونه آگاهی در مآخذ موجود دیده نمی‌شود. یحیی پدر ابومخنف را نیز تنها از طریق چند روایتی که ابومخنف در برخی حوادث تاریخی از او نقل کرده، می‌شناسیم. و او پسین زمان آن روایات به سال ۹۶ هـ.ق، مربوط است (همان جا). یحیی از اصحاب امام علی(ع) بود (شیخ طوسی: رجال طوسی، ۱/۵۷؛ طوسی: الفهرست ص ۱۲۹)

زندگی ابومخنف

برخلاف شهرت به سزای ابومخنف، آن چه موجب شگفتی است، بی‌اطلاعی از احوال و زندگی اوست. چنان که حتی طرح ساده از احوال وی را بدرستی نمی‌توان ترسیم کرد همین موضوع موجب شده تا همگان توجه خود را به اخبار منقول از او معطوف دارند و در این اخبار نکاتی که به روشن شدن زندگی او کمک کند، بسیار اندک است و نباید جانب احتیاط را از دست داد (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل همان واژه).

سزگین تاریخ تولد او را سال ۷۰ هـ. ق. / ۶۸۹ م می‌داند. (تاریخ التراث العربی، ص ۵). هم چنین ولهاوزن گفته است که وی در سال ۸۲ هـ. ق. در شورش ابن اشعث در میان سالی بوده و دوست محمدبن سائب کلبی به شمار می‌رفته است (ابومخنف، ص ۷). او اهل کوفه بود (زرکلی، ۳/۱۱۰) و از مشهورترین اخباریان به شمار می‌رود (سجادی و عالم‌زاده، ص ۵۹) از امام صادق(ع) احادیثی روایت کرده است (قمی، ۱/۱۵۵). و یعقوبی او را از فقهای دوره خلافت مهدی عباسی شمرده است. (تاریخ یعقوبی، ۲/۴۰۷).

تاریخ وفات ابومخنف را بیشتر تاریخ نگاران، سال ۱۵۷ هـ. ق. نوشته‌اند و آخرین اخباری که از او نقل شده تا سال ۱۳۲ هـ. ق. یعنی پایان دوره خلافت بنی‌امیه را شامل می‌شود. او هر چند با چند تن از خلفای عباسی نیز معاصر بوده ولی درباره‌ی حکومت آنها سکوت کرده و سخنی نگفته است (درک جبوری: مقتل الحسين بن علی(ع) علی روایت ابی مخنف، ص ۸).

مذهب ابومخنف

سابقه‌ی خانوادگی و تمایلی که ابومخنف به نقل و جمع اخبار مربوط به امیرالمؤمنین(ع) و امام حسین(ع) داشته، ظن تشیع وی را تقویت کرده است، تا بدان جا که برخی از نویسندگان او را شیعی امامی قلمداد کرده‌اند (زرکلی، ۳/۱۱۰).

با این همه نمی‌توان ابومخنف را شیعه امامی دانست. چرا که از طریق او هیچ نقل بی‌واسطه‌ای از امام سجاده(ع) و امام باقر(ع) نرسیده، در حالی که وی هم زمان با آن بزرگواران می‌زیسته است. به علاوه نه سال از دوران امامت امام کاظم(ع) را درک کرده،

اما حتی یک حدیث از آن بزرگوار به روایت ابومخنف مشاهده نشده است (رک: یوسفی غروی، ص ۱۹ و ۱۸).

ابن ابی‌الحدید او را شیعه ندانسته است. (شرح نهج‌البلاغه، ۱/۱۴۷) مجلسی نیز نام او و کتابش را در فهرست «کتاب‌های مخالفان» آورده است. (بخاراانوار، ۲۵-۱/۲۴). برخی از رجال شناسان شیعه همچون کشی، نجاشی و شیخ طوسی در مورد مذهب او سخن نگفته‌اند (رک: شیخ طوسی، ص ۵۷؛ نجاشی، ۱۹۱/۲). علامه تستری می‌نویسد هیچ کس امامی بودن او را ذکر نکرده است (قاموس الرجال، ۶۱۹/۸).

از ابومخنف روایاتی در آثار امامیه همچون کلینی و ابن بابویه و شیخ مفید وارد شده و روایات منسوب به او به خصوص از واقعه کربلا و جنبش مختار، بعدها، در آثار علمای شیعی مورد استناد قرار گرفته است. با این همه باید تمایلات مذهبی ابومخنف را در زمانی که می‌زیست و محیط شهر کوفه را، با هم مورد ملاحظه قرار داد، کوفیان همواره به طور عموم به خاندان پیامبر (ص) علاقه‌مند بودند (رک: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی ابومخنف) چنانچه علامه تستری می‌نویسد: «نهایت سخنی که در مورد او می‌توان گفت آن است که وی فردی غیرمتعصب و نزدیک به مذهب ما بوده است.» (قاموس الرجال، ۶۲۰/۸).

شخصیت ابومخنف

ابومخنف از اخباریان کوفه بود. بروکلمان او را اولین کسی دانسته است که اخبار مربوط به فتوحات و ایام عرب و خلفا و ولایت‌داران را به رشته‌ی تحریر درآورده است (تاریخ الادب العربی ۱/۲۵۳) و آگاه‌ترین فرد به فتوحات عراق بوده است. (رک: ابن ندیم، ص ۱۵۸) ابومخنف سعی صدر لازم را در نقل اخبار حفظ کرده است به طوری که اهل سنت روایات او را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند. مطالب زیادی که توسط او روایت شده، در نوع خود منحصر به فرد است و از این جهت بسیار حایز اهمیت است. طبری از نوشته‌های او که از طریق کلبی روایت شده، بهره کافی برده است. ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین و اغانی و ابن اثیر نیز در کتاب تاریخ خود از آن استفاده‌ی فراوانی کرده‌اند (رک: جعفریان، ص ۳۳)

گروهی از اهل سنت، ابومخنف را مورد اعتماد ندانسته و به او طعن‌ها زده‌اند، ابوحاتم او را متروک الحدیث خوانده است (الجبوری، ص ۲۸). یحیی بن معین او را مورد اعتماد ندانسته است، و در دیگر کتاب‌های رجال نیز این گونه تعبیرات درباره‌ی او فراوان است (رک، ابن حجر ۴/۵۹۳).

اما این گونه نظریات را می‌باید در موضع‌گیری عمومی که محدثان در برابر اخباریان داشته‌اند بررسی کرد، تقریباً هیچ یک از مؤلفان متقدم اخباری که اینک ما به واسطه‌ی ایشان به اخبار آن ادوار تاریخی دسترسی داریم، از گزند طعنی که اهل حدیث بر ایشان می‌زده‌اند، مانند تمایلات شیعی در آنان و جزو آن، برکنار نبوده‌اند. (حسن الصدر، ص ۲۳۶).

پرداختن به حوادثی که به هر نحوی، در استواری بنیان اعتقادی مؤثر واقع می‌شد و خاصه کسی همچون ابومخنف که آثار او بیشتر جزئیات دوران خلافت امیرالمؤمنان علی (ع) و هم چنین وقایع کربلا را دربرمی‌گیرد و در بعضی از کتاب‌هایشان مانند: کتاب الرده، کتاب الشوری، کتاب مقتل عثمان، کتاب جمل، کتاب صفین، مطالبی را ذکر کرده بود که با عقاید این گروه در تضاد بود و در نظر بسیاری از آنها خوشایند نبود (رک، جبوری، ص ۱۰-۹).

گذشته از این، روش اخباریان در گزارش حوادث تاریخی با ضوابط دقیق اهل حدیث مانند ضبط صحیح کلمات خبر و اطلاع از «منازل رجال» همخوانی نداشت و چنان که معهود آنان بود، اخبار حوادث را غالباً بی‌توجه به چنان دقت‌هایی که در نقل حدیث معمول بود، تنها از شاهدان عینی برمی‌گرفتند، و چون معمولاً هیچ یک از آن شاهدان از گروه محدثان به شمار نمی‌رفتند و طبیعتاً نامی از آنان در کتاب‌های رجالی نیست و اگر هست به کار نمی‌آید و اخباریان به روایت از مجاهلان یا جعل اخبار متهم می‌شدند چنان که همین معانی را کسانی همچون جاحظ یا ابن تیمیه، دستاویزی عمده برای طعن بر ابومخنف و جز او و کسانی که بر اخبار منقول از آنان اعتماد کند، قرار داده‌اند (رک، ه. آ. گیب و ... تاریخ نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، ص ۹۶۲).

روایات ابومخنف

ابومخنف از تاریخ نگاران هم طبقه‌ی خود، همچون محمد بن اسحاق، سیف بن عمر تمیمی و شرقی بن قطامی کلبی روایاتی نقل کرده است.

بدین گونه، ابومخنف در رأس مکتب اخباریان عراق جای می‌گیرد و اهتمام گسترده‌ی او به نقل رویدادهای عراق، البته وی را از پرداختن به حوادث دیگر در سرزمین‌های ایران، مصر و شام بازداشته و اگر هم در آثار باقی مانده از او چیزی در این موضوعات هست، بی‌گمان قابل سنجش با اخبار او درباره وقایع عراق نیست، این معنی را می‌توان به تعصبات قبیله‌ای و محلی نیز حمل کرد. روایات خانوادگی او از پدر و دایی و برادرزاده‌اش، اعتماد عمده بر روایات منقول از قبیله‌ی ازد و روایانش از افراد برخی قبیله‌های دیگر مانند تمیم، همدان، طی، کنده- که همگی در کوفه جمع بوده‌اند- روایات منقول از او را به گونه‌ای «کوفی نگری» به حوادث جلوه داده است. با این همه نمی‌توان این روایات را تنها از تعصبات قبیله‌ای نگریست، برخلاف روایات برخی راویان دیگر از نوع خود او همچون سیف بن عمر تمیمی که تا مرز بر ساختن قهرمانان تاریخی پیش رفته‌اند (رک، همو، همان، ص ۵-۹۳).

کتاب مقتل الحسین (ع)

این کتاب مهم ترین کتاب ابومخنف به شمار می‌رود که موجب شهرت او شده است. علامه تستری این کتاب را صحیح‌ترین مقتل ابی‌عبدالله (ع) می‌داند (۶۲۰/۸). وی این کتاب را در دهه‌ی سوم سده‌ی دوم هجری، یعنی تقریباً هفتاد سال پس از واقعه کربلا نوشته است (رک، لوط بن یحیی الازدی: وقعه الطف لابی مخنف، ص ۱۶). و از آن روی که خود او اهل کوفه بود و فاصله‌ی چندانی از فاجعه عاشورا نداشته است، معمولاً حوادث را با یک و یا دو واسطه نقل کرده است. در برخی موارد حوادث را از کسانی که در روز عاشورا همراه امام حسین بوده‌اند ولی به شهادت نرسیده‌اند و در پاره‌ای موارد از کسانی که خود از شاهدان امام حسین (ع) بوده‌اند، نقل کرده است (رک، همو، همان، ۲۹-۶۶). از این رو مقتل او که توسط شاگردش هشام بن کلبی روایت شده است (رک، حسن الصدر: تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۲۳۶)، همواره منبعی موثق و اطمینان بخش برای محققان و تاریخ نویسان اسلامی بوده و در کتاب‌های خود از آن نقل کرده‌اند ولی به مرور زمان این اثر مفقود شده است و مقتلی که هم اکنون به ابومخنف نسبت می‌دهند از آن او نیست (رک، جبوری، ص ۳۱ و ۳۰؛ قمی، الکنی و الالقاب، ۱/۱۵۵).

متن این کتاب با سخن جندب در اعتراض به امام حسن مجتبی(ع) هنگام مصالحه با معاویه، آغاز می‌شود و گزارش مختصری از آن زمان تا مرگ معاویه و درخواست بیعت از امام حسین بن علی(ع) برای یزید به وسیله‌ی والی مدینه ولید بن عقبه، ارایه می‌دهد و سپس به جریان کربلا گریزی زده، در گزارش خود یک بار از کلینی درباره‌ی بیماری معاویه و نامه نوشتن به یزید جهت احضار او به دمشق یاد می‌کند و یک بار هم در موضوع «بیرون رفتن امام حسین از مدینه به مکه» می‌گوید: «ذکر عمار فی حدیثه» و در همه موارد دیگر می‌گوید: قال ابومخنف، تا این که در گزارش بریدن سر امام حسین(ع) و لگدکوب کردن پیکرش می‌گوید: «قال الطرماح بن عدی: کنت فی القتلی قد وقع فی جراحات...» بی‌آن که از واسطه‌های نقل نام ببرد (جوذکی، ص ۱۲؛ یوسفی الغروی، ص ۲۴-۹).

علل رد انتساب این مقتل به ابومخنف

گزارش ابومخنف از حماسه‌ی کربلا، به علت نزدیکی او به زمان واقعه و نیز کوفی و ثقه بودن او در مجموع اطمینان ما را بدین مقتل استوار و تثبیت می‌کند. اما با تأمل در برخی از مطالب کتاب، به تردید و تشکیک دچار می‌شویم. این تردید به علت خواندن مطالبی در این مقتل می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود (جوذکی، ص ۱۲).

۱- کلمات و لغاتی که در این متن به کار رفته با کلمات و لغات عصر ابومخنف متفاوت است و حتی بعضی اشتباهات نحوی نیز در متن این کتاب وجود دارد (جبوری، ص ۳۱)
 ۲- در صدر اسناد این کتاب، ابومخنف از شاگردش هشام کلبی روایت کرده و این خلاف واقع است. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه‌ی ابومخنف)

۳- میان یکی از نسخ این اثر منسوب به ابومخنف با کتابی که در همین موضوع به عالم شیعی، ابن طاووس نسبت داده شده، اشتراک بسیار دیده می‌شود، بدان حد که تألیف یکی از روی دیگری، احتمال داده شده است (رک، سید بن طاووس، ص ۳۴).

۴- اشکالات و گزافه‌گویی‌هایی در متن کتاب منسوب وجود دارد که در این جا به یک نمونه از آنها اشاره می‌شود:

می‌گوید چون ابن زیاد سپاهی به فرماندهی عمر بن سعد برای جنگ با امام حسین به کربلا فرستاد، به جز سپاه حر که قبلاً رفته بود، هشتاد هزار سپاهی از مردم کوفه تشکیل شد که نه شامی در آن بود نه حجازی.

کوفه در سال ۶۰ هجری، چند نفر جمعیت داشته است که هشتاد هزار نفر سرباز برای جنگ با امام حسین (ع) از آن تشکیل می‌شود (جوذکی، ص ۱۲)

حاج شیخ عباس قمی در مقدمه‌ی «کتاب نفس المهموم» آورده است: «نزد من ثابت و محقق گردیده است که این مقتل معروف به ابی مخنف که با عاشر بحار به طبع رسیده است از آن ابی مخنف معروف و یا مورخ معتبر دیگری نیست و چیزی که در آن یافت شود و دیگری نقل کرده باشد، شایسته اعتماد نیست. اما ابومخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف ازدی از بزرگان اصحاب خبر بود و کتاب بسیاری در سیر، تألیف کرده، از جمله کتاب مقتل الحسین که علماء از آن بسیار نقل کنند و بیشتر بلکه همه منقولات تاریخ طبری در مقتل، از ابومخنف گرفته شده است و هر کس این مقتل معروف را با آن چه طبری نقل کرده مقایسه کند، تایید خواهد کرد که این مقتل از وی نیست (ص ۵).

نسخه‌های خطی مقتل الحسین منسوب به ابومخنف

از مقتل الامام الحسین نسخه‌های خطی بسیاری در کتابخانه‌های جهان موجود است که با عنوان‌های: مقتل الحسین، یا اخبار مقتل الحسین، یا مصرع الحسین و ماجری له می‌باشد. در این جا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱- نسخه‌ی خطی که در سال ۹۸۸ هـ نوشته شده و در کتابخانه‌ی پترسبورگ به شماره‌ی ۱۸۳۸ می‌باشد و شامل ۸۲ صفحه است. (سزگین، تاریخ التراث العربی؛ ۲/۳۰۹).

۲- نسخه‌ی دیگری که در سال ۹۵۵ هـ نوشته شده و در موزه‌ی آسیایی برلین نگهداری می‌شود و ۱۱۱ صفحه دارد. (جیوری، ص ۳۲)

۳- نسخه‌ای که در قرن دهم هجری/ قرن شانزدهم میلادی نوشته شده، و آغاز و پایان آن ناتمام است و در قسمت آثار خطی در بغداد به شماره‌ی ۲۵۷۶۸ وجود دارد،

- اندازه‌ی صفحات آن ۵ و ۱۲×۲۰ سانتی‌متر، صفحات آن یازده خطی است و در ۳۸۶ صفحه جمع آوری شده است (همان جا)
- ۴- نسخه‌ای که در سال ۱۰۰۹ هـ نوشته شده و در موزه‌ی آسیایی برلین به شماره‌ی ۹۰۳۶ موجود است و ۱۹ ورق می‌باشد. (جیوری، ص ۳۲)
- ۵- نسخه‌ای که عنوانش: تاریخ مقتل ابی عبدالله الحسین(ع) است و در پایان آن آمده است: «هذا ما انتهى الينا من مقتله، و كان فراغه في اليوم الثاني عشر ذي القعدة على يد مرقمه على بن خليفه المقرئ، عفى الله عنهما أمين» که به قرن یازدهم هجری/ قرن هفدهم میلادی مربوط است و در یکی از کتابخانه‌های روسیه به شماره‌ی B640 نگهداری می‌شود. (بروکلمان، ۱/۲۵۳)
- ۶- نسخه‌ای که در سال ۱۲۲۲ هـ/ ۱۸۰۷ م، نوشته شده به شماره‌ی ۱۴۱۰۲ و مقیاس ۵، ۵×۲۲ و ۱۶ سانتی‌متر که هر صفحه دارای ۱۹ سطر است، در قسمت آثار خطی بغداد نگهداری می‌شود و شامل ۲۱۲ صفحه است. (جیوری، ص ۳۳)
- ۷- نسخه‌ای که در سال ۱۲۵۲ هـ نوشته شده و در دارالکتب المصریه به شماره‌ی ۳۱۹۲ نگهداری می‌شود و از آن نسخه‌ای مصور در کتابخانه‌ی امام حکیم در نجف به شماره‌ی ۵۸۵ وجود دارد. (همان جا)
- ۸- نسخه‌ای که در سال ۱۲۶۳ هـ نوشته شده و در کتابخانه‌ی محمد سعید آل ثابت در کربلا موجود است. (جیوری، ص ۳۳)
- ۹- نسخه‌ای که در سال ۱۱۴۹ نوشته شده و در کتابخانه‌ی مشکوة المهداة در دانشگاه تهران به شماره‌ی ۶۸۴ نگهداری می‌شود و ۲۵۴ صفحه دارد. (سزگین، ۲/۳۰۹)
- ۱۰- نسخه‌ای که موسی الحمودی در سال ۱۲۶۴ هـ/ ۱۸۴۷ م آن را نوشت و در قسمت آثار خطی بغداد به شماره‌ی ۲/۱۵۳۵۴۵ با مقیاس ۵×۲۱ و ۱۵ سانتی‌متر، با پانزده خط، نگهداری می‌شود و ۱۴۰ صفحه دارد. (جیوری، ص ۳۴ و ۳۳)
- ۱۱- نسخه‌ای که در سال ۱۲۵۲ نوشته شده و در موزه‌ی آسیایی برلین به شماره‌ی ۹۰۳۲ نگهداری می‌شود و ۶۲ صفحه دارد. (سزگین، ۲/۳۰۹)

۱۲- نسخه‌ای که در سال ۱۳۷۰ هـ/ ۱۹۵۰ م نوشته شده و در قسمت آثار خطی بغداد به شماره‌ی ۲۴۶۹۵ و مقیاس ۵ و ۱۷×۲۱ سانتی‌متر و هر صفحه‌ای ۱۸ خط موجود است و ۷۲ صفحه دارد. (جبوری، ص ۳۴)

۱۳- نسخه‌ای که تاریخ نوشتن آن مشخص نیست و در کتابخانه‌ی الظاهریه با عنوان (مصرع الحسین المنسوب لابی مخنف) با شماره‌ی ۴۳۰۳ و در ۷۱ ورقه جمع‌آوری شده و به قرن نهم هجری مربوط است که در اول آن آمده است: (هذا مصرع الحسین و ماجری له و لاهل بینه من قتلهم و سفک دمانهم و سبی حریمهم لعن الله من تعدی علیهم). (بروکلمان: ۱/۲۵۳)

جمع‌آوری مقتل ابی مخنف با تکیه بر تاریخ طبری

کامل‌ترین متنی که اکنون از کتاب مقتل الحسین ابومخنف وجود دارد در کتاب طبری درج شده است. (طبری: تاریخ الامم و الرسل و الملوک، ج ۵ و ۶، حوادث سال‌های ۶۰ و ۶۱)

تردید در صحت انتساب و اوصاف کتاب مقتل الحسین باعث شد که عده‌ای از نویسندگان، منقولات طبری از ابومخنف درباره‌ی واقعه کربلا را استخراج کرده و کتابی با عنوان مقتل الحسین ساخته، منتشر کنند. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۹۸ هـ به کوشش حسن غفاری فراهم و در قم همراه با پاره‌ای توضیحات در یک مجلد به چاپ رسیده است^۱ که اشکالاتی بر این کتاب وارد است: (رک، جودکی، ص ۳۳)

۱- روایت ۲۲ را از قلم انداخته است.

۲- صفحاتی را از مقتل هشام بن محمد به مقتل ابومخنف پیوند زده و چنین پنداشته که آنها جزئی از مقتل الحسین ابومخنف هستند از جمله صفحات: ۲۳ تا ۳۳، ۷۹، ۸۲ تا ۸۵، ۹۵، ۹۶، ۱۸۷ تا ۱۹۰، ۲۰۳، ۲۰۹ تا ۲۱۳، ۲۱۶ تا ۲۱۸، ۲۲۰ تا ۲۲۴، ۲۲۸ تا ۲۳۱.

شاید این توهم از آنجا برای ایشان پیش آمده است که طبری مقتل ابومخنف را توسط هشام نقل می‌کند، بنابراین ایشان هرچه را هشام گفته است مقتل ابومخنف

پنداشته در حالی که هشام هم زمان از چند نفر از جمله عوانه بن حکم و ابومخنف، مقتل الحسين را روایت کرده است.

۳- بسیاری از اعلام این کتاب نیاز به توضیح و تصحیح دارند.

این کتاب بار دوم در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی توسط آقای محمد هادی یوسفی غروی با عنوان «وقعه الطف لابی مخنف» در قم به چاپ رسید و سپس در سال ۱۳۷۷ توسط جواد سلیمانی به فارسی برگرداند شد. آقای حجت الله جودکی، اشکالاتی بر این کتاب وارد کرده و می‌نویسد: «در این تصحیح غیرعلمی مطالب ابومخنف به جای تصحیح خلاصه و فشرده شده و در پاره‌ای موارد برخی نکات و اسامی تحریف و بعضی از روایات مقتل الحسين ابومخنف حذف گردیده است. نکته‌ی دیگر این که، نویسنده با قطعه قطعه کردن روایات به منظور موضوعی کردن آن، جامعیت مقتل را خدشه‌دار کرده است (جودکی: ص ۳۳ و ۳۴)

این کتاب بار دیگر مورد بازنگری قرار گرفت و حجت الله جودکی به تصحیح و ترجمه آن پرداخت، سپس در سال ۱۳۷۷ هـ.ش، انتشارات تبیان آن را در تهران به چاپ رسانید. از امتیازات آن فصل بندی و عناوین مطالب کتاب و امانت داری است که از سوی مترجم صورت گرفته و نیز مقدمه‌ی عالی که بر این کتاب نوشته شده است.

هم چنین کتاب دیگری با نام «مقتل الامام الحسين بن علی(ع)» توسط کامل سلمان الجبوری از سوی انتشارات: دارالحججه البیضاء در سال ۱۴۲۰ هـ در بیروت منتشر شده است. این کتاب با ذکر بیعت گرفتن معاویه برای پسرش یزید شروع می‌شود و با ذکر مقتل عباد بن الاخضر التمیمی به پایان می‌رسد و ۱۲۱ روایت از قول ابومخنف در آن گردآوری شده و از محاسن کتاب، مقدمه‌ای است که مؤلف کتاب بر مقتل افزوده است.

نتیجه

واقعه‌ی کربلا، مهم‌ترین حادثه‌ی جانشوزی است که در تاریخ اسلام اتفاق افتاده است. امام حسین(ع) برای حفظ اسلام، جان خود و یارانش را فدا کرد. در آن روزگار با توجه به این که صاحبان زر و زور بر مردم حاکم بودند، حفظ خون آن حضرت و رساندن پیام آن بزرگوار به دیگران کار دشواری بود. این رسالت در ابتدا متوجه کسانی

می‌شد که در این ماجرا شرکت داشتند و نخستین کسان، خاندان آن حضرت بودند که در کربلا حضور داشتند و جریان را از نزدیک به چشم خویش دیده بودند. در رأس این گروه امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) قرار داشتند.

این دو بزرگوار پس از شهادت شهدای کربلا، رسالت خویش را آغاز کردند. در جریان اسارت خاندان امام حسین(ع) و پس از آن، این خاندان در جاهای مختلف و به مناسبت‌های گوناگون، قضایایی را که در کربلا روی داده بود، برای مردم بیان می‌کردند و به این طریق از فراموش شدن این حادثه‌ی جانسوز جلوگیری شد.

علاوه بر خاندان امام حسین(ع)، افرادی نیز از دو سپاه بودند که حوادثی را که در جنگ مشاهده کرده بودند، برای دیگران نقل می‌کردند.

حوادثی که در کربلا برای امام حسین و یارانش اتفاق افتاده بود، سینه به سینه نقل می‌شد تا زمانی که مسلمانان تصمیم گرفتند برای حفظ مطالب خود، آنها را به صورت مکتوب درآورند. درباره حوادثی که در کربلا روی داد نیز کتاب‌هایی نوشته شد که آنها را مقتل نامیدند.

یکی از کسانی که به نگارش مقتل امام حسین(ع) پرداخت، ابومخنف است که نام کتاب خود را مقتل الحسين نامید.

او زمانی به نگارش کتاب خود پرداخت که هنوز دو سه نسل بیشتر از واقعه کربلا فاصله نبود و چون حوادث را از قول کسانی نقل کرده است که یا خود در جنگ شرکت داشتند و یا معاصر با شرکت‌کنندگان در جنگ بودند، در نتیجه در تفسیر کتاب او شک و تردیدی وجود ندارد.

مقتل الحسين، شامل متن مفصلی است درباره‌ی واقعه‌ی کربلا، شامل بررسی زمینه‌های آن تا خروج امام حسین(ع) از مدینه، فعالیت شیعیان در کوفه و مقابله با عبیدالله بن زیاد، جنگ سپاه شام با امام و پس از آن قیام کوفیان به خون خواهی او.

فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- ابن ابی الحديد: شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، منشورات مكتبة آية العظمى المرعشي النجفي قم، ۱۴۰۴.
- ۲- اعلمي حایری، محمد حسین: دایرة المعارف الشیعه العامه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت- لبنان ۱۴۱۳هـ-۱۹۹۳م.
- ۳- ابن حجر، احمد: لسان المیزان، تحقیق و تعلیق، عادل عبدال موجود و علی محمد معوض، انتشارات: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بیروت ۱۴۱۶ هـ ۱۹۹۶م.
- ۴- ابن حزم، علی بن محمد اندلسی، جمهرة الانساب العرب، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۹۸۳م/ ۱۴۰۳ ق.
- ۵- ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست، ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد، انتشارات: امیرکبیر، تهران ۱۳۶۶.
- ۶- ابومخنف: مقتل ابی مخنف، نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، ترجمه و تدوین: جواد سلیمانی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، چاپ اول، قم، زمستان ۱۳۷۷.
- ۷- ابومخنف: مقتل الامام الحسین بن علی علیهم السلام، تحقیق کامل سلمان الجبوری، دارالحجة البيضاء، چاپ اول، بیروت ۲۰۰۰م- ۱۴۲۰ هـ
- ۸- اصفهانی، ابوالفرج: مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم المظفر، مطبعه الحیدریه، نجف، بی تا.
- ۹- بروکلمان، کارل: تاریخ الادب العربی، ترجمه و تحقیق عبدالحلیم النجار، انتشارات: دارالمعارف بمصر، ۱۹۶۸م.
- ۱۰- الجبوری، کامل سلمان: مقتل الامام الحسین بن علی (ع)، دارالحجة البيضاء، چاپ اول.
- ۱۱- جمفریان، رسول: تاریخ خلفا، مؤسسه چاپ الهادی، چاپ دوم، قم، تابستان ۷۸.
- ۱۲- -----: سیره رسول خدا(ص)، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران، مهر ۱۳۷۳.
- ۱۳- جودکی، حجت الله: قیام جاوید، گردانیده «مقتل الحسین» ابی مخنف، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۴- دینوری، احمد بن داود: اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، وزراء الثقافة و الارشاد القومي، بی تا.
- ۱۵- زرکلی، خیرالدین: الاعلام، قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، انتشارات: دارالعلم، چاپ سوم، بی تا.
- ۱۶- سجادی، صادق و عالمزاده، هادی: تاریخ نگاری در اسلام، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- ۱۷- سزگین، فؤاد: تاریخ التراث العربی، تحقیق محمود فهمی حجازی، مطبعة السعودية، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۲م.
- ۱۸- سید بن طاووس: ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف، تحقیق شیخ فارس تبریزیان (حسون)، برگردان: ابوالحسن میرابوطالبی (حسینی)، انتشارات دلیل، چاپ اول، ۱۳۷۹، هـ ش- ۱۴۲۱ هـ ق.
- ۱۹- صدر، حسن: تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، المطبعة منشورات الاعلمی، طهران، بی تا.

- ۲۰- طبری، محمدبن جریر: تاریخ الامم و الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، انتشارات دارسویدان، بیروت- لبنان، بی تا.
- ۲۱- طوسی، شیخ محمد: رجال الطوسی، تحقیق محمد صادق آل بحر العلوم، انتشارات الحیدریه، چاپ اول، نجف ۱۳۸۱ هـ ق.
- ۲۲- طوسی، محمد: الفهرست، تصحیح محمد صادق آل بحر العلوم، نشریات المکتبه المرتضویه، عراق- نجف، بی تا.
- ۲۳- قمی، عباس: تحفه الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب، تحقیق: جعفر حسینی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، طهران ۱۳۷۰ هـ
- ۲۴- ----: الکنی و الالقاب، انتشارات مکتبه الصدر، چاپ چهارم- طهران ۱۳۹۷ هـ
- ۲۵- ----: نفس المهموم فی مقتل مصیبه ابی الحسین المظلوم علیه السلام، انتشارات المکتبه الاسلامیه، طهران، شعبان ۱۳۶۸ هـ
- ۲۶- تستری، محمد تقی: قاموس الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، قم ۱۴۱۷ هـ ق.
- ۲۷- غفاری، حسن: مقتل الحسین، چاپ خانه‌ی علمیه، قم ۱۳۹۸ هـ
- ۲۸- لوط بن یحیی (ابومخنف): وقعه الطف لابن مخنف، تحقیق محمد هادی الیوسفی الفروزی، مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسین، چاپ اول، قم ۱۳۶۷.
- ۲۹- مجلسی، محمد تقی: بحار الانوار، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
- ۳۰- موسوی بجنوردی، کاظم: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، انتشارات مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳ شمسی.
- ۳۱- نجاشی: رجال نجاشی، تحقیق: محمد جواد نائینی، انتشارات: دارالاضواء، چاپ اول، بیروت ۱۴۰۸ هـ ق
- ۳۲- نصرین مزاحم منقری: وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ هـ ق.
- ۳۳- هـ ... گیب و تاریخ نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، ترجمه‌ی یعقوب آژند، انتشارات نیما، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۶۱.
- ۳۴- یعقوبی، احمدبن یعقوب: تاریخ الیعقوبی، انتشارات دارصادر، بیروت، بی تا.